



oltre la sibilla



خانم "مارچلا کونتینانزا" کتابی در باره (سیبله) و نشانه های وجود او در دنیای حال به چاپ رسانیده. وی در شب برنامه نیز حضور دارد.

همچنین در این شب یادآوری از پنجاهمین سالروز درگذشت "سیبله آلرامو" که یکی از مهمترین نویسندگان قرن بیستم ایتالیا به شمار می رود انجام می شود او سالها از زمان خودش فراتر و نمادی یکپارچه از آزادی و مستقل با قدرت سنجش بالا شعر و ادب و عقل بوده است. آیا او نیز یک (سیبله) امروزی بوده است؟ و آیا ما زن های امروز که معجونی از آموزش و تفکر هستیم با وجود اکسیر "سیبله" در دنیای متمدن امروز شانس داریم؟ هنرمندان این برنامه متشکلند از:

Drammaturgia:

Paola Fressoia

Regie:

Paola Fressoia
Valeria Cattaneo

Autor:

Sibilla Persica:
Gitti Khosravi • mezzosoprano
Sibilla Cumana:
Paola Fressoia
Sibilla Celtica:
Valeria Cattaneo
Madre:
Maria Teresa Langona
Bambina:
Laura Gerloff

Poesie:

Jaleh Alamtaj Ghaemmaghami
Simin Behbahani
Sibilla Aleramo
Marcella Continanza
Clara Müller-Jahnke

Musuc:

Compositor Salam Riazy
Klavier Naomi Yoshimura
Flöte Vanessa Cetin

Tecnica teatrale :

Christian Gerloff / Britta Eisenegger

برای اطلاعات بیشتر با تفن زیر تماس حاصل فرمایید

۰۴۰-۳۸۵۰۵۶

نازی قریشی

باشد.

در واقع شخصیت "سیبله" از لحاظ مفهوم در تاریخ مقوله ای غیر قابل تعریف است. در این رابطه این سؤال پیش می آید که چرا از این شخصیت بسیار کم می دانیم؟ در حقیقت "سیبله" تنها یک اسم است که به گفته "پلوتارش" دختر "سئوس و لامپا" پیشگوی "دلفی و لیبس" بوده که به مرور زمان تبدیل به یک شخصیتی پیغمبر گونه می شود.

در زمان "آنتیک" هر منطقه جغرافیایی برای خود یک سیبله پیشگو داشته است از

مشرق زمین تا غرب. در اینجا اشاره ای به مهمترین آنها داریم: "سیبله پیشگوی لیبی"، "اریترا از پرشین" از "دلفی"، از "کوما" ...

"پلاتو" تنها از یک سیبله یاد کرده ولی تا زمان قرون وسطا حدود ۳۰ سیبله پیشگو وجود داشته است. معنای ریشه ای سیبله، خواست خداست که از ریشه یونانی (Thou Baulen) به معنی "زن پیر که با خدا حرف می زند" گرفته شده است.

پس "سیبله" به معنای پیغمبر زن قهرمان است. او نابغه و رابطی بین زمین و آسمان است که آینده را پیشگویی می کند.

این سؤال پیش می آید که چرا در زمان یونان باستان در جامعه ای کاملا مرد سالارانه و در تشریفات درباری، زنی (پیغمبر) با چنین قدرتی وجود داشته است؟

در حقیقت این بانو خیلی قدیمی تر از آداب و رسوم یونان باستان است. خیلی ها معتقدند که او باقی مانده از یک دوره مادر سالاری است که او را به عنوان ارتباط دهنده بین انسان و کائنات می دیدند و همچنین معتقدند که به عنوان مادر بزرگ زمین، خصوصیات مثل مهر، امید، خوشبختی و دفاع به او عطا شده است. فرهنگی که در سالیان بعد کم رنگ شد.

چهره زیبای این بانو در قضاوت بلند مدت تاریخ عوض شد. یونان جدید، اجتماعی شدن رم و بعدها "کاتولیسیموس" همه از او الهام گرفتند و دست آخر او را به عنوان گمراه کننده و اغواگری خطرناک جلوه دادند. نتیجه اینکه سیبله را در دوره روم جدید از دروازه معبد مقدس به درون یک غار زیر زمینی انداختند. با وجود تمامی این نمادسازی های غلط، امروزه (سیبله) به شخصیتی ماندگار و قوی بدل گشته است.

در هنر "سیبله" سنبل تجربه است و گاهی نماد پیری با تجربه. از سیبله های مشهور "سیبله پرسیکا" است که میکال آنجلو او را به شکل زنی گوژ پشت بر سقف سیکستینا نشه کلیسا نقاشی کرده است. در همه آثار به جا مانده از سیبله ها، در دستانشان کتیبه یا نوشته ای دیده می شود و غرق در دنیای دانش هستند.

در کتاب انجیل عهد قدیم جایگاه خاصی برای او وجود دارد که زمان برگشت مسیح را پیشگویی می کند.

در یکشنبه ۱۲ ماه دسامبر ساعت ۶ بعد از ظهر در Hospitalstrasse 111 - Haus7 هامبورگ تاتری با نام Oltre la Sibilla برگزار می کند.

ما در این برنامه شاهد اجرای مدرن و زیبایی از داستان "سیبله" خواهیم بود که در آن دو هنر مند ایرانی "گیتی خسروی" (خواننده با تجربه اپرا) و "سلام ریاضی" (آهنگساز جوان) با اشعاری از "سیمین بهبهانی" و "ژاله عالم تاج" نیز حضور خواهند داشت.

در این اثر، در دید اول به نظر می رسد که مجموعه ای از سکانس های در پی می آیند ولی در واقعیت جزئیاتی از یک کل را به نمایش در می آورند که در آن "سیبله" معنی واقعی خود را دوباره به دست می آورد.



به همین منظور و برای اینکه این نمایش به صورت ساعاتی خسته کننده آموزشی در نیاید با به کارگرفتن زبانی خاص یا در واقع به گفته ای بهتر، زبان (سیبلی) بیننده را به سمت تصویر سازی شخصی سوق می دهد. این اثر بر آن است داستان این اسطوره را از نو به تصویر بکشد ولی این بار بدون تحریف و با زبانی موسیقایی، جذابتر و کمی غیر معمولی. این موسیقی است که میتواند به نوبه خود لایه های نمایش و درام را با هم تلفیق کند و قصه را دستخوش تحول کند.

سکانس اول :

در این سکانس برگهای سفید سمبل بخشی از زنان است به خصوص در دنیایی غیر ممکن که برای باور شدن و فهمیده شدن در تکاپو هستند.

سکانس دوم :

زمانی را که به نمایش می گذارد زمان حال است، خانواده ای مهاجر در "ویلهمزبورگ-هامبورگ" و ارتباط فرهنگ فراموش شده آنان در غربت را روایت می کند.

سکانس سوم :

نمایشی از یک خواب (رویا) است.

سکانس چهارم :

کفش ها در این سکانس نماد خیابانی بی پایانی است که در آن بسیاری از آدم ها در جستجوی یافتن کار، یار، خانه و خوشبختی در تلاش هستند بدون اینکه صدایشان به جایی برسد.

سکانس پنجم :

صحنه ای از کنار هم بودن بر سر یک میز با آداب و رسوم را به تصویر می کشد. جایی که همه چیز زندگی را راحتتر می توان حلاجی کرد به شرط اینکه رومیزی سفید